

تحلیل سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی

یعقوب یوسفوند^۱

چکیده

امروزه معمای امنیت و مقوله دفاع از کشور، به موازات تغییر و تحولات اساسی در نظام بین‌الملل و آشوبناکی در آن، با پیچیدگی‌های خاصی روبرو گردیده و به واسطه رویکردهای غیرخطی و نامنظم و تنوع تهدیدات، سیاست‌گذاری دفاعی را در شرایط ابهام و عدم اطمینان قرار داده است. در این شرایط چگونگی اتخاذ سیاست مطلوب دفاعی، مسئله‌ای اساسی است. در راستای این مسئله، پرسش اصلی این است که چه الگویی برای طراحی و تدوین سیاست‌های دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی، مناسب است؟ در این پژوهش تلاش گردیده است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و در چارچوب نظریه سیستم‌های پیچیده و آشوبی، سیاست‌گذاری دفاعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. نتایج تحقیق بیانگر آن است در چارچوب نظریه سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی، سیاست‌گذاری دفاعی از مؤلفه‌های آشوب‌زا و بحران‌ساز این سیستم تأثیرپذیر است و بایستی معطوف به وضعیت‌های غیرخطی و پویا باشد. در چنین وضعیت‌هایی کاربست الگوی اقتضایی یا ایجابی در سیاست‌گذاری می‌تواند پاسخی مناسب به مسئله باشد، چراکه تلاش می‌شود متناسب با شرایط و موقعیت‌های محیطی، مناسب‌ترین سیاست اتخاذ گردد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری دفاعی، سیاست دفاعی، سیستم‌های پیچیده و آشوبی، سیستم بین‌المللی.

مقدمه و بیان مسئله

سیستم جهانی کنونی به واسطه تحول در عرصه‌های گوناگون، با آشوبناکی و پیچیدگی‌های خاصی روبرو است. «این سیستم را می‌توان در قالب سیستم‌های پیچیده و آشوب مورد بررسی قرار داد. در چنین سیستمی، تنها نظریه پیچیدگی و آشوب است که توان تحلیل چنین سیستمی را داراست. نظریه پیچیدگی و آشوب سامان و سازه سیستمی را در بر می‌گیرد که به دلیل تنوع در اجزای آن با اینکه به نظر می‌رسد نوعی بی‌نظمی بر آن حاکم است اما در بردارنده نظم مشخصی است. چنین سامانه سیستمی دارای الگوی رفتاری نامنظم، غیرخطی و غیرقابل پیش‌بینی می‌باشد» (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۹۷). در این سیستم، امنیت سازی و اینکه چگونه می‌توان امنیت و آرامش را برای مردم تأمین کرد، به یکی از دغدغه‌های اصلی کشورها در حوزه سیاست‌گذاری دفاعی مبدل گشته است. «روند امنیت‌سازی از این جنبه اهمیت دارد که تمامی کشورها، در وضعیت و شرایط آناشیک زندگی می‌کنند. شرایط آناشیک به مفهوم آن است که هیچ‌گونه حاکمیت مرکزی و آمریت سازمان‌یافته‌ای در مناسبات کشورها وجود ندارد. در چنین شرایطی، بازیگران تلاش می‌کنند که به حداکثر منافع و مطلوبیت‌های راهبردی خود برسند. هرگونه کنش بازیگران در فضای این محیط، نشانه‌هایی از تهدید، رویارویی و چالش امنیتی را به همراه خواهد داشت» (مصلی‌نژاد، ۱۴۰۱: ۱۰۷) و به دلیل عدم تقارن قدرت، نوع و روش جنگ، تهدید به شدت متنوع بوده و طیفی گسترده و هم‌پوشان از تهدیدات سیاسی، اقتصادی و نظامی متعارف و نامتعارف و در نهایت هیبریدی را شامل می‌شود. مقابله با این تهدیدها ابزارهای راهبردی متنوعی را می‌طلبد (اسماعیلی‌فرزین، ۱۳۹۷: ۱۷۱). بر این مبنا، سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی، یک علم و هنر بسیار ظریف و دقیق به شمار می‌رود و در چارچوب معادله فرصت/ تهدید قابل تحلیل است و بایستی طوری باشد که به کاهش تهدید و افزایش فرصت منتهی شود. «دولت‌ها بایستی با انتخاب بهترین تصمیم‌ها، مطلوب‌ترین تدابیر دفاعی - امنیتی را برای مقابله با تهدیدها و رسیدن به چشم‌اندازها، اهداف و منافع ملی در جهان نسبتاً مبهم و نامطمئن و در حال تغییر امروزی، پیش‌روی خود قرار دهند» (یوسفوند و ملکی کرم‌آبادی، ۱۴۰۰: ۱۰).

«جمهوری اسلامی ایران به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی و نیز مختصات سیاسی و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی و نظام سیاسی آن، با طیف وسیعی از تهدیدات سخت و نرم روبرو است. شواهد متعدد تاریخی نیز بر صدق مؤلفه‌های آشوب‌زا و بحران‌ساز بر آن صحنه می‌گذارد. از این منظر، برخورداری از سیاست‌های دفاعی - امنیتی متناسب با موقعیت و شرایط جمهوری اسلامی ایران در صفحه شطرنج نظام بین‌الملل، می‌تواند از تهدیدات و مخاطرات این حوزه بکاهد و فرصت مناسبی پیش‌روی کشور قرار دهد» (حیاتی‌مقدم و کلانتری، ۱۳۹۷: ۱۶۵).

امروزه یکی از عوامل مؤثر بر سیاست‌گذاری دفاعی - امنیتی کشورها، کنش و واکنش‌های سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی است به‌طوری‌که معمای دفاع از خود و ایجاد امنیت و تصمیم‌گیری در خصوص مسائل نظامی و دفاعی را با چالش‌ها و پیچیدگی‌های خاصی روبرو نموده است. از این‌رو، در فضای نظام بین‌الملل امروزی این حوزه از اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردار است چراکه از یک سو تأمین‌کننده اهداف و منافع ملی خواهد بود و از سوی دیگر، با بقاء و سرنوشت کشور مرتبط است. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که با نگرش به عدم قطعیت نظام بین‌الملل و فضای پُر از تهدید سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی، چه الگویی در سیاست‌گذاری دفاعی مناسب است؟ پاسخ به این سوال، سیاست‌گذار را در تدوین سیاست‌های دفاعی مطلوب در سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی کمک می‌کند.

ادبیات و چارچوب نظری پژوهش

سیاست‌گذاری دفاعی: سیاست‌گذاری دفاعی فرآیندی است در قالب یک برنامه عمل دولتی، در مسیر تحقق چشم‌اندازهای دفاعی و یا در مواجهه با یک تهدید و یا یک مسئله امنیتی (یوسفوند و ملکی کرم‌آبادی، ۱۴۰۰: ۱۰). به عبارتی، سیاست‌گذاری دفاعی، واکنشی است به تهدیدات عینی و ذهنی برخاسته از محیط امنیتی خود با توجه به اهداف، منافع، ارزش‌های اساسی و میزان قدرت دولت (کلانتری، ۱۳۹۴: ۴۰).

در تعریفی دیگر می‌توان گفت، سیاست‌گذاری دفاعی به خط‌مشی‌ها و سازوکارهایی معطوف است که زمینه لازم را برای دفع تهدید و دفاع از کشور و تأمین امنیت در محیط آنارشیک و پیچیده بین‌المللی فراهم می‌نماید. بنابراین نیازمند درک درست و دقیقی از تحولات محیط پیرامونی است. از این‌رو، «طراحی سیاست‌های دفاعی و نظامی با توجه به محیط پیچیده‌ی حال و آینده، یک علم و هنر بسیار ظریف و دقیق به شمار می‌رود (حسنلو، ۱۳۸۸: ۱۵۴)».

هدف سیاست‌گذاران در حوزه امنیت ملی و دفاعی باید به کاهش تهدید و توجه بایسته‌ها به آسیب‌ها و افزایش فرصت باشد. در عین حال نباید از این امر غافل شد که در عرصه بیرونی همیشه تمایز کامل بین تهدید و فرصت مقدور نیست. ممکن است امری همزمان هر دو وجه را داشته باشد. یا امری زمانی تهدید جدی باشد و در زمان دیگر به فرصت تبدیل شود. ولی بدترین صورت در امر سیاست‌گذاری تبدیل فرصت به تهدید است که نه تنها امنیت‌زدایی را در پی ندارد بلکه باعث امنیت‌زدایی نیز می‌شود (غرایق‌زندی، ۱۳۹۰: ۲۵).

سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی: سیستم یا نظام یکی از واژه‌های بسیار متداول در روابط بین‌الملل امروز است. یکی از پیشگامان مطالعه تئوری سیستم‌ها در قلمرو علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تالکوت پارسونز است. پارسونز مبتکر «سیستم اقدام»، عملکرد بازیگران و فاعلان روابط بین‌الملل را در قالب‌های سیستمی قرار می‌دهد. در این الگو، افراد هم به عنوان عامل و هم سوژه و مفعول اقدامات متقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و در یک سلسله کنش-واکنش در صدد دستیابی به اهداف خود و حفظ و برقراری تعادل سیستم می‌باشند (کاظمی، ۱۳۹۳: ۶۸ و ۷۱). تئوری سیستم‌ها، یک چارچوب تئوریک در اختیار می‌گذارد تا به کمک آن چگونگی رفتارهای سیاسی درک شود و نحوه تغییر ماهیت و محتوای اساسی و یا ساختاری آنها، مشخص گردد (خوشوقت، ۱۳۸۵: ۳۳). مورتون کاپلان، اعتقاد دارد سیستم بین‌الملل و زیر سیستم‌هایش مجموعه‌ای از کنشگران هستند. این کنشگران، کنشگران بین‌المللی نامیده می‌شوند و نامعین هستند. این مجموعه کنشگران بین‌المللی به دو زیر مجموعه «کنشگران ملی» و «کنشگران فراملی» تقسیم می‌شوند. این‌ها نیز نامعین هستند. مرجع [تعیین] آن‌ها می‌تواند گسترده یا «نقطه‌ای» باشد. ایالات متحده، فرانسه، و ایتالیا مثال‌هایی از کنشگران دولتی هستند. زیرمجموعه کنشگران فراملی خود به زیرمجموعه کنشگران بلوکی و زیرمجموعه کنشگران جهانی تقسیم می‌شوند. ناتو و کامینفورم نمونه‌های بازیگران بلوکی هستند و سازمان ملل متحد نمونه‌ای از بازیگر جهانی است (Kaplan, 1958: 33). بری بوزان یکی دیگر از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل است که به بررسی روابط سیستم‌های منطقه‌ای یا زیر سیستم‌های جهانی پرداخته است. وی معتقد است «سیستم‌های منطقه‌ای بخشی از سیستم‌های بین‌المللی هستند که اجزاء آن را کشورهای منطقه‌ای تشکیل می‌دهند. ایشان وابستگی متقابل را از بعد امنیتی مورد توجه قرار داده و نظریه‌ای تحت عنوان مجتمع‌های امنیتی منطقه‌ای را ارائه کرده است (اسماعیلی‌فرزین، ۱۳۹۷: ۵۴). سیستم‌های بین‌المللی ساختارهایی ساخته انسان هستند و مانند همه پدیده‌های انسانی در طول تاریخ تکامل یافته‌اند و در مسیر تکامل خود نقاط عطفی را پشت سر گذاشته و بشر دوران جدیدی از نظم اجتماعی را تجربه نموده است. به نظر

می‌رسد که در اثر انقلاب‌های فناورانه و تحول در سیستم، نظم سابق از بین رفته و نوعی پیچیدگی و آشوب در آن پدیدار می‌شود (اسماعیلی فرزین، ۱۳۹۷: ۶۳).

نظریه سیستم‌های پیچیده و آشوبی: مروری بر ادبیات و دیدگاه‌های مطرح شده در حوزه سیستم‌های بین‌المللی پیچیده و آشوبی، حاکی از آن است که هر کدام از اندیشمندان روابط بین‌الملل از منظری به علت پیچیدگی و آشوب در سیستم بین‌الملل پرداخته‌اند؛ برای نمونه، سیندیا، جنگ (Cindea, 2006)، ورث و هابدن، آنارشی و آنارشیزم (Cudworth & Hobden, 2010) مس‌جاز، امنیت انسانی، و برخی دیگر، منطقه‌ای شدن امنیت (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۳۱)، را به عنوان عامل پیچیدگی و آشوب بیان می‌کنند.

علی اصغر کاظمی‌زند در کتاب "پایان سیاست و واپسین اسطوره" می‌نویسد: «روند رو به گسترش جهانی شدن که به طور نه چندان تصادفی با دوران پست مدرن همزمان شده، بسیاری از مفاهیم، اصول و ساختارهای سیاسی دوران مدرن را تحت تأثیر قرار داده است. در این فرآیند دولت سرزمینی و ارزش‌های حاکم بر آن و نهادهای مربوطه دچار تحول شده‌اند. حاکمیت، استقلال، مرز سیاسی، نظم، اقتدار، دموکراسی، حقوق و بسیاری از مفاهیم دیگر، دستخوش تغییر و آشفتگی گشته‌اند. ظهور پدیده‌هایی مانند دولت مجازی، بازیگر مجازی، واقعیت مجازی، دموکراسی رسانه‌ای و انبوه مفاهیم نوین، ما را به سمت دنیایی سوق می‌دهد که تصویر چندان روشنی از آن در دست نداریم» (کاظمی، ۱۳۸۱: ۱۸۱).

براین اساس، نظریه سیستم‌های پیچیده و آشوب، آخرین موج از نظریه سیستم‌ها محسوب می‌شود که تحولات اساسی در تحلیل پدیده‌های موجود در جهان را به دنبال دارد. براساس نظریه پیچیدگی و آشوب، سیستم پیچیده مجموعه‌ای از کارگزارانی است که از نقطه تعادلی فاصله دارند و از طریق بازخورهای مثبت و منفی با یکدیگر در تعامل بوده و به هم وابسته هستند و ضمن پویایی به صورت شبکه‌های تکاملی متجلی می‌شوند. علاوه بر آن، به صورت هندسی مشخص سازمان یافته‌اند و رفتارهای آنها ناگهانی و تغییرات آنها دفعی است و در نهایت اینکه از قانون توزیع قدرت پیروی می‌کنند. این نظریه، دارای مجموعه‌ای از اصول و قضایای اساسی است که مبنای تحلیلی آن را شکل می‌دهد. شاخه‌ای شدن نظم، وابستگی حساس، قانون قدرت، نقاط مجذوب‌کننده‌های ناآشنا، کنترل چرخه‌ای، اصل تکامل، ثبات پویا، سیاست‌گذاری در وضعیت غیرخطی و ریسک، عدم تقارن قدرت از جمله اصول و قضایای حاکم بر سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی می‌باشد (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

پیشینه پژوهش

در راستای موضوع پژوهش، آثار منتشر شده در دو دسته قابل بررسی است. دسته اول، آثاری است که در موضوع سیاست‌گذاری دفاعی - امنیتی به رشته تحریر درآمده است. که در زیر به برخی از این آثار اشاره شده است:

- عباس مصلی‌نژاد (۱۴۰۰)، در کتابی با عنوان "سیاست‌گذاری راهبردی؛ در تئوری و عمل" تلاش نموده است مباحث نظری و عملی سیاست‌گذاری راهبردی به‌ویژه در امور امنیتی و دفاعی را مورد واکاوی و تبیین علمی قرار دهد. ایشان معتقد است درک دقیق الگوهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در حوزه‌های راهبردی، به ویژه در امور امنیتی و دفاعی، مستلزم تبیین فرایندهای تاریخی، شناختی و الگویی سیاست‌گذاری راهبردی است. از نگاه ایشان، بررسی و درک مباحث پیچیده سیاست‌گذاری راهبردی، مستلزم شناخت دقیق و جامعی از مفاهیمی چون کنش سیاسی، عدم تقارن، مصالحه،

اجماع، منازعه و غیره است. این مفاهیم از جمله نشانه‌هایی هستند که اثربخشی در حوزه‌های راهبردی، موکول به درک و تبیین صحیح آنها است.

- وحید ریاضی و حسین دهقان (۱۳۹۸) در کتابی تحت عنوان "سیاست‌گذاری دفاع ملی" که توسط دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی منتشر شده است، تلاش کرده‌اند تا ضمن مروری بر مفاهیم جدید و متنوع و هم سو با سیاست، به ادبیات سیاست و سیاست‌گذاری دفاعی بپردازند. آنان معتقدند: مهم‌ترین وظیفه دولت‌ها در همه نظام‌های حکومتی، تأمین دفاع و امنیت کشور است و لازمه تحقق این رسالت، سیاست دفاعی است تا منابع قدرت ملی به نحو مؤثر و هماهنگ در این جهت استفاده شود. سیاست دفاعی از اسناد راهبردی مهمی به شمار می‌رود که هدایت‌گر و راهنمای زمامداران حکومت و مدیران دفاعی و امنیتی در سکنداری ثبات و امنیت کشور است؛ به خصوص در محیط پُر چالش و متلاطمی چون غرب آسیا که در کانون اهداف راهبردی قدرت‌های جهانی قرار دارد و عنوان هارتلند فعلی جهان را به خود اختصاص داده است. دسته دوم پیرامون آثاری است که به موضوع سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی پرداخته‌اند.

- ایرج اسماعیلی‌فرزین (۱۳۹۷) در کتابی با عنوان «بازدارندگی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی مدلی برای ایران» در تلاش است با ارائه گزاره‌های علمی نوین و استنتاج از نظریه پیچیدگی و آشوب و مدل‌های تحلیلی آن، به حوزه نظریه‌پردازی بازدارندگی در وضعیت پیچیده و آشوب نظام بین‌الملل تکامل ببخشد. نویسنده معتقد است: مسائل امنیتی در الگوی نظم سیستمی همگام با تحول سیستم بین‌الملل متحول شده است و نظم سنتی ملوک‌الطوایفی، به نظم وستفالیایی، سپس پلورالیستی و در نهایت به نظم پیچیده و آشوبی تحول می‌یابد. در الگوی نظم‌های وستفالیایی و ساده، دینامیزم‌های ایجاد کننده امنیت دارای سازوکارهای مولد تهدیدات مشخصی بوده‌اند که در قالب سیستم‌های ساده و خطی قابل تعریف می‌باشد. در این الگو تهدیدات، منافع، نقاط هدف، ابزارهای راهبردی و همچنین کنش‌های کشورها ویژگی‌های مشخص و معینی داشته و الگوی نظم متقارن بر آن حاکم بوده است. پویای قدرت از نوع قدرت سخت بوده و بیشتر ویژگی نظامی داشته و کارگزاران تهدیدات نیز از جمله کارگزاران رسمی و دولتی می‌باشند و بنابراین مدل، هدف و قواعد کنترل تهدیدات نیز بر همین اساس طراحی شده‌اند. اما سیستم بین‌الملل به مانند تمامی سیستم‌ها در جهت تکامل، تغییر و گذار به سوی الگوهای نوین در حرکت بوده که در این میان تغییر سیستم بین‌الملل به سیستم پیچیده از جمله نتایج پویای تکامل در چنین سیستم‌هایی می‌باشد. ایشان در ادامه، عوامل بنیادین مؤثر در روند تکامل سیستم بین‌المللی و تغییر آن از نوع ساده به پیچیده و آشوبی امروزی و همین‌طور خصوصیات کلی این نوع از سیستم‌ها را تشریح و تنوع اجزاء، شکل‌گیری تعاملات متقاطع و متداخل بسیار زیاد بین اجزاء، روند تغییر و تکامل سیستم، خود ساماندهی سیستم، تطابق، پویایی، فعال بودن، پیش‌بینی‌ناپذیری و پیش‌خورانی، و وجود تعاملات پیچیده بین عوامل و به خصوص وابستگی متقابل بیان می‌کند.

- فرهاد قاسمی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با موضوع «قدرت، نوپدیدگی و بحران در سیستم‌های بین‌المللی پیچیده و آشوبی؛ گامی به سوی مدل نظری نوین»، این پرسش اساسی مطرح می‌کند که «سازوکار علی شکل‌گیری بحران‌ها در سیستم بین‌الملل پیچیده و آشوبی چگونه عمل می‌کند؟». پژوهش حاضر با محوریت بخشیدن به نظریه «پیچیدگی و آشوب» و با تأکید بر منطق غیرخطی حاکم بر سیستم بین‌الملل نوین، دستگاه تحلیلی بحران را بر پایه دینامیک قدرت غیرخطی، نوپدیدگی شناختی، علی و قوانین باز ساماندهی نظری بر سی کرده و دومدل «هیترار شی» و «پانار شی» را به عنوان مدل‌های اصلی در شکل دادن به نوپدیدگی در روابط بین‌الملل مطرح کرده است. قاسمی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای دیگر، با

موضوع « مبانی نظری، کارکردی نظریه سیستم‌های پیچیده و آشوب در مطالعات نظم منطقه‌ای»، نظریه سیستم‌های پیچیده و آشوب را آخرین موج از نظریه سیستم‌ها عنوان می‌کند که تحولات اساسی در تحلیل پدیده‌های موجود در جهان را به دنبال دارد. بر این اساس، مقاله بر این باور است که با پیچیده شدن سیستم بین‌الملل و به دنبال آن سیستم‌های منطقه‌ای نظریه مذکور دارای کاربردهای اساسی در این حوزه است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، پژوهشی توصیفی - تحلیلی بوده که به صورت کیفی انجام می‌شود. « شاید فنی‌ترین قسمت در تدوین سیاست به تحلیل آن بازگردد. تحلیل سیاست‌ها، مجموعه‌ای از فنون برای رسیدن به پاسخ از چستی تأثیرات احتمالی یک سیاست پیش از اجرای آن است. در واقع، همین نکته، تحلیل سیاست‌ها را از ارزیابی سیاست‌ها جدا می‌کند. تحلیل سیاست‌ها از یک نگاه، شاید چیزی جز طرح پرسش‌های اساسی و یافتن پاسخ‌های دقیق برای آنها نباشد. این پرسش‌ها در چند حوزه اهداف، روش‌ها و نتایج مطرح می‌شود و نوع، کیفیت و اعتبار پاسخ‌های آنهاست که وزن یک تحلیل ارزش آن را تعیین می‌کند» (ملک‌محمدی، ۱۳۹۴: ۵۵). بر این اساس، در راستای مسئله پژوهش، پرسش اصلی این است که طراحی و تدوین سیاست‌های دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی، در چارچوب چه الگوی قابل تحلیل است؟. برای پاسخ به سوال پژوهش، تلاش شده از طریق اسنادی (کتابخانه‌ای) اطلاعات و داده‌های لازم گردآوری، و در چارچوب نظریه پیچیدگی و آشوب به تجزیه و تحلیل موضوع پرداخته شود.

یافته‌های پژوهش

منطق فازی و سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی

در منطق فازی، اندکی بی‌نظمی هم می‌تواند خوب باشد. به عبارتی، نمی‌توانیم بگوییم تب در بدن که به نوعی نشان‌دهنده یک نوع بی‌نظمی در بدن است، بد است. زیرا هشدار است که بدن با نوعی اختلالات ناشی از ورود پدیده‌ای خارجی (ویروس یا میکروب) مواجه شده و نیروهای دفاعی در مقام مقابله با آن برآمده‌اند. لذا باید هرچه زودتر منشأ این اختلال و محل مورد تهاجم شناسایی گردد (کاظمی، ۱۳۸۱: ۱۵۲). این محل یا مکان‌ها را مکان‌های فازی می‌گویند. طبق این اصل در سیستم‌های پیچیده و آشوبی رفتارهایی به صورت متناوب ظاهر می‌شود که در کوتاه مدت قابل شناسایی نیست ولی در گستره زمانی بلندمدت ظاهر می‌شوند. که از آن به عنوان مکان فازی یاد می‌شود. با شناسایی این مکان‌های فازی می‌توان رفتار سیستم را در مکان و زمانی خاص پیش‌بینی نموده و کنترل‌های لازم را اعمال نموده و بهره‌برداری مطلوب را در صورت نیاز انجام داد.

توجه به این منطق در سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی، به منظور شناسایی نقاط ضعف و تهدید و منشأ پدید آمدن آنها، که از آنها می‌توان به عنوان مکان‌های فازی یاد کرد، ضروری است. چراکه در این سیستم‌ها، یکی از راهبردهای بازیگر رقیب، شناسایی مکان‌های فازی است تا از این طریق با طراحی و تدوین سیاست‌های مطلوب خود، دست به ایجاد بحران‌های جدید و تشدید بحران‌های موجود بزند و ثبات داخلی را به هم بزند.

اثر پروانه‌ای و سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی

یکی از مفاهیم به کار رفته در نظریه پیچیدگی و آشوب، اثر پروانه‌ای است که توسط ادوارد لورنز، ریاضیدان و هواشناس آمریکایی مطرح گردیده است. وی بیان می‌دارد: «ممکن است در اثر بال زدن یک پروانه در برزیل در پکن طوفانی برپا شود. به این معنی که رخداد‌های کوچک می‌توانند تأثیرات بسیار گسترده‌ای داشته باشند یا تغییر جزئی در شرایط اولیه می‌تواند به نتایج وسیع و پیش‌بینی نشده در ستاده‌های سیستم، منجر شود» (اکوانی و موسوی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۹۱).

در چارچوب اصل اثر پروانه‌ای یا وابستگی حساس، برخی رفتارهای کوچک و یا انرژی جزئی وارده به سیستم، تغییرات و تحولات شدیدی را در سیستم به وجود می‌آورد. به عبارتی، تغییر جزئی در شرایط اولیه می‌تواند به نتایج وسیع و پیش‌بینی نشده در سیستم منجر شود. مسائل و روندهای موجود در سیستم‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این قابلیت را دارند که هرگونه تغییر جزئی در آنها، تحولات اساسی را بوجود آورند.

یکی از الزامات سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های غیرخطی و پیچیده، توجه به اصل اثر پروانه‌ای در این سیستم‌هاست. جوهره‌ی اصلی اثر پروانه‌ای این است که در خیلی مواقع تصمیم‌های جزئی و یا رخداد‌های کوچک، تغییرات بزرگ و تحولات اساسی (مثبت یا منفی) را به دنبال دارد. بنابراین در چارچوب این اصل می‌توان گفت، هرگونه تصمیم‌گیری در خصوص مسائل دفاعی، بایستی با آگاهی و مبتنی بر اطلاعات درست و تخمین اثرات تصمیم‌ها صورت گیرد. تصمیم‌های غیرمنطقی ممکن است پیامدهای و تبعات جبران‌ناپذیری را برای کشور به دنبال داشته باشد.

رویکرد غیرخطی و سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی

طراحی و تدوین سیاست‌ها را در چارچوب دو رویکرد خطی و غیرخطی قابل تحلیل و تفسیر است. «متفکران طرفدار نگاه خطی در پی حل مسائل از طریق گام‌های منطقی‌اند. این همان مسئله‌ای است که در خصوص تصمیم‌گیری عقلانی یا خردگرایی کامل درباره‌اش سخن گفته شده است. اما غیرخطی‌ها در پی حل مسائل به صورت حرکت‌های رفت و برگشتی مانند قطعات یک جورچین یا پازلند تا هر قطعه در جای خود قرار گیرد» (ملک‌محمدی، ۱۳۹۴: ۵۹). به عبارتی، در رویکرد خطی، حل مسائل، متناسب با شرایط و رویدادهای پیش‌آمده خواهد بود.

در سیستم‌های پیچیده و آشوبی، به واسطه کنش‌ها و رویدادهای ناپیوسته و غیرقابل پیش‌بینی، تدوین سیاست‌ها، بیش از آنکه در اراده سیاست‌گذاران باشد، به شرایط و کنش‌هایی باز می‌گردد که کمتر در حوزه اختیار آنان قرار دارد. بنابراین تقویت رویکرد غیرخطی در سیاست‌گذاری دفاعی در این سیستم‌ها ضرورت پیدا می‌کند. از مختصات سیاست‌گذاری دفاعی در این شرایط، تکیه بر تصمیم‌های گذشته، تغییر تدریجی، راه‌حل رضایت‌بخش، دیپلماسی دفاعی و نظریه بازی‌هاست. «از نکات برجسته این نوع از سیاست‌گذاری تأکید بر بازی‌های استراتژیک نابرابر و تعارضات نامتقارن است» (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۳۹).

کنترل چرخه‌ای و سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی

نظم در سیستم‌های پیچیده و آشوبی به صورت خودتنظیمی و خودساماندهی است. به عبارتی، برقراری نظم مبتنی بر کنترل از نوع چرخه‌ای است. «بدین صورت که کنترل نه در کنترل‌کننده و نه در کنترل شونده است. بلکه میان آن دو قرار دارد و بین آن دو مشترک است به علاوه، کنترل و کنترل‌کننده‌ای به صورت مجزا وجود ندارد. هر کدام از بخش‌های سیستم نسبت به دیگری کنترل‌کننده محسوب می‌گردد» (Glanvill, 2004). طبق این اصل، فرآیندی بر سیستم‌های

پیچیده و آشوبی حاکم است که نظم از اثرات متقابل بین اجزاء سیستم پدیدار می‌شود. بنابراین خودجوش بوده و به کنترل عامل بیرونی نیاز ندارد. هرگونه مداخله و دستکاری عامل بیرونی، نظم سیستم به هم می‌خورد.

«در چنین سیستمی قانون ضرورت تنوع صادق است» (Glanvill, 2004). طبق این قانون، لازمه تحقق اهداف و بقا و ایفای نقش در ایجاد نظم چرخه‌ای، این است که بازیگر بتواند پاسخ‌ها و راهبردهای متنوع به انواع بی‌نظمی‌ها، تهدیدها و بحران‌های وارده از سیستم ارائه بدهد. در غیر این صورت، توان حضور در کنترل چرخه‌ای نظم سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی را از دست خواهد داد و با نوعی نظم اجباری مبتنی بر تحمل وضع غیرمطلوب و مداخله سرنوشت‌ساز خارجی مواجه خواهد شد. بنابراین، سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی مستلزم تنوع بخشیدن به سیاست‌ها و راهبردهای کنترلی در مواجهه با انواع تهدیدها، جهت حفظ و اعاده نظم مطلوب است.

اصل خودیاری یکی از ملزومات سیاست‌گذاری دفاعی مبتنی بر کنترل چرخه‌ای است. بر اساس این اصل، بازیگران سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی، برای حفظ موقعیت و امنیت خود در این سیستم، بایستی در پی افزایش قدرت خود در ابعاد گوناگون باشند تا بتوانند به بقاء خود تداوم بخشند. مخدوش شدن اصل خودیاری، موجب کاهش قدرت ملی، کاهش توان کنترل چرخه‌ای و اعمال نظم تحمیلی می‌شود. بنابراین سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی بایستی مستظهر به قدرت باشد تا بتواند با تنوع سیاست‌ها و راهبردها در کنترل چرخه‌ای اثرگذار باشد. اصل تکامل و سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی

در سیستم‌های پیچیده هیچ واحدی نمی‌تواند در حاشیه امن کامل باشد و بر سرنوشت خود کنترل کامل داشته باشد. در چنین جهانی هیچ راهی برای حفاظت کامل از خود وجود ندارد. لذا برای تکامل بخشیدن به سیستم، روند هم‌تکاملی ضروری است (Allen, 1997). بر این اساس، تغییر از نوع تکاملی است و تحت تأثیر فرآیند ادراکی و به دنبال یادگیری تغییرات به مرور تجربه می‌شود.

«مهمترین عنصر روند تکاملی، فرآیند یادگیری اجتماعی است. در سیستم‌های پیچیده و آشوبی، بازیگران در برابر وضعیت‌های پیچیده، دست به انتخاب استراتژیک می‌زنند که به دو گونه بازخورانی یعنی، نحوه توزیع فراوانی استراتژی‌ها در میان جمعیت بازیگران، و فرآیند تقویت که در آن بازیگران به صورت فردی، نوع استراتژی خود را در پاسخ به موفقیت‌ها و شکست‌ها تغییر دهند، سبب یادگیری اجتماعی خود می‌شوند» (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۵۴). «در این سیستم‌ها هرگونه بحران در اثر فرآیند یادگیری موجب تکامل استراتژی‌های بقای سیستم شده و به صورت هم‌تکاملی با تکامل بحران‌ها، متکامل می‌گردند» (اسماعیلی‌فرزین، ۱۳۹۷: ۲۵۵). بنابراین بر اثر فرآیند یادگیری، بازیگران در برابر وضعیت‌ها و بحران‌های بوجود آمده در سیستم، استراتژی‌های خود را تقویت و بهینه‌سازی می‌کنند که نتیجه آن بقا و تکامل سیستم در حالت پیچیدگی و آشوب است.

در چارچوب این اصل، موفقیت در سیاست‌گذاری دفاعی در برابر بحران‌ها و وضعیت‌های پیچیده در سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی، مستلزم انتخاب استراتژیک است. سیاست‌گذاری در فرآیند یادگیری با درس‌آموزی از موفقیت‌ها و شکست‌ها، معادله تهدید-دفاع و تهدید-بازدارندگی را به صورت هم‌تکاملی پیش‌برده و تاکتیک‌ها و استراتژی‌های خود در برابر فشارها و تهدیدهای وارده از سیستم، تقویت و بهینه‌سازی می‌نماید. بنابراین می‌توان گفت در فرآیند

سیاست‌گذاری دفاعی- امنیتی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی، انتخاب استراتژیک در بستر فرآیند یادگیری اجتماعی، موضوع مهمی است که باید به آن توجه شود.

منازعات نامتقارن و سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی

کی (۲۰۰۵)، در تعریف منازعات نامتقارن، آن را ناشی از یک رابطه می‌داند؛ رابطه میان استراتژی و تاکتیک. از دید وی، تعارض نامتقارن، ابزار یا تاکتیکی برای نیل به یک هدف یا استراتژی است؛ چنانچه حمله به برج‌های دوقلو در سپتامبر ۲۰۰۱ یک عملیات نامتقارن بود (نظری و بهزادی، ۱۳۹۲: ۸۲). برخلاف جنگ‌های نامتقارن که طرفین از اقدامات نظامی و منابع مشابهی برخوردار بوده و از تاکتیک‌هایی بهره می‌گیرند، منازعات نامتقارن الزماً در پی به‌کارگیری نیروهای نظامی به این شکل نیست (lavoy, 2008: 209). در سیستم‌های پیچیده و آشوبی، تعارضات از نوع نامتقارن می‌باشند. عدم تقارن مذکور نیز در برگیرنده، ابعاد مرتبط با بازیگران، توانایی‌های نظامی، روش جنگ و سیاست‌ها و روش جنگیدن است. ویژگی اساسی جنگ‌های نوین در سیستم‌های پیچیده، روش جنگیدن است که از نوع نامتقارن خواهد بود (Mello, ۲۰۱۰: ۲۷۹-۳۰۵). دو ویژگی کلی را برای این دسته از منازعات می‌توان برشمرد: یکی آنکه قواعد این منازعات غالباً خارج از هنجارهای بین‌المللی تعریف می‌شوند؛ به این معنی که برخلاف نبردهای سنتی و مرسوم در حوزه‌ی روابط بین‌المللی، این منازعات از این اصول و قواعد پیروی نمی‌کنند. دومین ویژگی این دسته از منازعات آن است که کاربری روش‌های عادی جنگ‌ها نظیر بازدارندگی و قدرت نظامی به شیوه‌ی سنتی برای مواجهه با آنها ناکارآمد است؛ این ناکارآمدی از آنجا ناشی می‌شود که معمولاً در شرایط عدم تقارن، طرف ضعیف‌تر با این درک که چیزی برای از دست دادن ندارد، ضرورت توسعه هر اقدامی را برای خود محفوظ می‌داند (نظری و بهزادی، ۱۳۹۲: ۸۳). ترور، جنگ‌های پارتیزانی، جنگ روانی، نسل‌کشی، شورش، عملیات‌های انتحاری و... از جمله منازعات نامتقارن می‌باشد. مقابله با منازعات نامتقارن در بستر سیستم‌های پیچیده و آشوبی، نیازمند بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و ابزارهای متنوع است. «انکر و برک (۲۰۰۳) معتقدند ایالات متحده که برای تقابل با منازعات نامتقارن باید دکترینی را تدوین کند که حاوی موارد ذیل باشد: ۱- در برگیرنده مفاهیم عملیاتی باشد؛ ۲- فلسفه‌ی آن بایستی بر پیش‌بینی استوار باشد، زیرا با وجود عنصر عدم قطعیت نمی‌توان تاکتیک‌های ثابتی برای تقابل در نظر گرفت؛ ۳- دکترین‌ها باید بر خلاقیت و آمادگی برای انطباق با شرایط عدم تقارن تأکید نمایند؛ و ۴- در نهایت این دکترین‌ها بایستی بر عنصر آموزش نیروهای نظامی برای بهره‌گیری از سلاح و تجهیزات در شرایط عدم تقارن تأکید داشته باشند» (Burke & Ancker, 2003: 23-33).

اصل ثبات پویا و سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی

در این اصل، سوال این است که چرا در سیستم‌های پیچیده و آشوبی علی‌رغم وجود بحران‌های شکننده، سیستم از یک نقطه ثبات یا تعادل به نقطه ثبات یا تعادل جدید حرکت می‌کند؟ پاسخ، همان قاعده یا اصل ثبات پویا است که نشان‌دهنده وجود نقاط تعادلی چندرأسی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی است. با افزایش پیچیدگی، سیستم شدیداً شاخه‌ای، و ثبات آن از پویایی برخوردار می‌شود و به علت تعدد نقاط تعادلی، امکان حرکت سیستم از نقطه مشخص به نقطه یا نقاط دیگر وجود دارد. بنابراین در سیستم‌های پیچیده به واسطه شاخه‌ای بودن نظم، نقاط تعادلی فراوانی وجود دارد که در آن سیستم به ثبات می‌رسد.

«از نقطه نظر سیستم‌های پیچیده ثبات به معنای تغییرناپذیری نیست. ثبات دینامیک بوده و الگوها در پاسخ به زمینه‌ها به وجود می‌آیند. ثبات دینامیک در درون خود تغییر از یک وضعیت به وضعیت جدید را نیز در بر دارد» (thelen, 2005: ۵۵).

۲۶۳). به عبارتی، ماندگاری در بعد از هر تغییر، یا پایداری در حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر است. لازمه تاب‌آوری و ماندگاری یک واحد سیاسی در این وضعیت، ثبات و پایداری داخلی نظام سیاسی و انعطاف‌پذیری آن در وضعیت‌های مختلف است. در چارچوب این اصل، رویکرد سیاست‌گذاری دفاعی رویکردی منعطف و رقابتی خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

سیاست‌گذاری اساساً ناظر بر چگونگی تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران است (اسمیت و لریمو، ۱۳۹۶: ۴۶). بنیان اصلی این پژوهش نیز با این مسئله آغاز گردیده است که با توجه به تحولات بنیادین در سیستم‌های بین‌المللی و پدیدارشدن مؤلفه‌های پیچیدگی و آشوبی در آن، چه الگویی مناسب تصمیم‌گیری دفاعی در این سیستم است تا بتوان به بهترین وجه، منافع کشور را تأمین و تهدیدها را کاهش داد. به بیانی دیگر، چگونه می‌توان سیاستی مناسب را در محیط پیچیده و آشوبی بین‌الملل تدوین کرد.

در چارچوب نظریه سیستم‌های پیچیده و آشوبی، پیچیدگی سیستم بین‌الملل حاکی از پیش‌بینی‌ناپذیر بودن کنش‌ها و واکنش‌هاست. آشوب نیز حکایت از نظم‌ی دارد که در عین بی‌نظمی دارای جوهی از نظم است. بنابراین تنوع متغیرها و رفتارهای نامنظم، غیرخطی و غیرقابل پیش‌بینی متصور است و بسترساز تهدیدات متنوعی است. از این‌رو، الگوی مناسب سیاست‌گذاری دفاعی در این سیستم‌ها، براساس کنش‌ها و واکنش‌های غیرخطی، نامنظم و پیش‌بینی‌ناپذیر قابل تحلیل است.

ویژگی وضعیت پیچیده و آشوبی و غیرخطی، ابهام و عدم اطمینان در آن است. «در شرایط ابهام و عدم اطمینان، سیاست‌گذار می‌تواند از طریق حداکثر کردن بُرد و حداقل کردن باخت راه کار بهینه را انتخاب نماید. در چنین وضعیت‌هایی است که نظریه بازی‌ها مطرح می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۱: ۹۹). علاوه براین، «آنچه مهم تلقی می‌گردد، ممکن است ساختن فرآیند یادگیری است تا از این طریق تلاش برای ترسیم بهترین سیاست‌ها صورت گیرد (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۵۶).

در شرایط ابهام و عدم اطمینان و در بستر فرآیند یادگیری، می‌توان از الگوهای مختلفی در سیاست‌گذاری دفاعی به منظور انتخاب استراتژیک استفاده کرد. انتخاب الگوی سیاست‌گذاری دفاعی مناسب در این شرایط، مستلزم پیش‌بینی روندها و رویدادهای آینده و شناسایی نقاط ضعف و قوت و ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهاست که می‌توان آنها را در قالب ماتریس SWOT مورد بررسی، سنجش و تحلیل قرار داد. در چارچوب این ماتریس، چهار الگوی تهاجمی، الگوی رقابتی، الگوی محافظه‌کارانه و الگوی تدافعی در سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی قابل ارائه و تحلیل است (جدول ۱) که در ادامه به به بررسی این الگوها در سیاست‌گذاری دفاعی پرداخته می‌شود:

جدول ۱: تحلیل ماتریس SWOT

W ضعف	O قوت	محیط درونی محیط بیرونی
-------	-------	---------------------------

فرصت S	کنش تهاجمی	کنش محافظه کارانه
تهدید T	کنش رقابتی	کنش تدافعی

الف - الگوی کنش تهاجمی: این الگو با تکیه بر قوت‌ها در پی کسب فرصت‌های بین‌المللی است. مبنای الگوی تهاجمی، قدرت است. منظور از قدرت، قدرت در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، موقعیت جغرافیایی، فناوریانه و... است. با نگرش به ماهیت پیش‌بینی‌ناپذیری و نامتقارنی نظم سیستم‌بین‌الملل زمینه برای تهدید و منازعه برای کشوری که در موضع ضعف‌تری قرار دارد، بیشتر است. بنابراین، بدون قدرت نمی‌توان منافع ملی و فرصت‌های بین‌المللی را از موضع موازنه و برتر کسب کرد. در چارچوب نظریه سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌الملل، این الگو بیشتر با تکیه بر قدرت نظامی اجرا می‌شود، اما قدرت نظامی نیز بدون پشتوانه قدرت سیاسی، اقتصادی و ابعاد دیگر قدرت، کارآمدی لازم را نخواهد داشت چه بسا ممکن است با شکنندگی مواجه خواهد شد. هدف از این الگو در تدوین سیاست‌های دفاعی، باید موازنه قدرت و ایجاد بازدارندگی پایدار باشد. افراط در این الگو ممکن است با واکنش سیستم و ایجاد نظم تحمیلی در کشور می‌شود.

ب- الگوی کنش رقابتی: در چارچوب نظریه سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌الملل، هیچ کشوری در عرصه بین‌المللی، در امنیت مطلق و دائمی قرار ندارد. از این‌رو به انحاء مختلف، واحدهای سیاسی در معرض تهدیدات محیط بیرونی قرار دارند. هرچند که الگوی تهاجمی نیز خنثی‌کننده تهدیدات است، اما در این الگو تهدیدات شناسایی شده و سیاست‌گذار باتوجه به منافع و بر مبنای قوت‌ها، سیاست‌های خنثی‌کننده‌ای را در پاسخ به تهدیدها اتخاذ می‌کند. «کنش رقابتی همواره بر الگوهای تعادلی برای مقابله با تهدیدهای احتمالی تأکید دارد. چنین نگرشی ماهیت تهدیدمحور دارد و به این ترتیب، لازم است بازیگران از سازوکارهای متنوع و طرح‌های پیش‌بینی شده برای آینده استفاده کنند» (مصلی‌نژاد، ۱۴۰۱: ۱۷۰). سازوکارهای کنش در این الگو، مذاکره، چانه‌زنی، ابتکار، ائتلاف و اتحاد، شبکه‌سازی، هنجارسازی، همکاری و مشارکت، انعطاف‌پذیری، ثبات، قانونمندی و عقلانیت مبتنی بر تحلیل هزینه-فایده منافع ملی است. کار به است این الگو در سیاست‌گذاری دفاعی - امنیتی ج.ا.ایران پیامدهایی همچون تنش‌زدایی و اعتمادسازی، خروج از انزوای بین‌المللی، ممانعت از شکل‌گیری ائتلاف‌های نظامی و امنیتی ضدایرانی، ذهنیت‌زدایی منفی و جلب افکار عمومی جهان، صلح‌سازی و همزیستی مسالمت‌آمیز، خلع سلاح منطقه‌ای و بین‌المللی و کاهش هزینه‌های جنگ و... را برای کشور می‌تواند به دنبال داشته باشد.

ج- الگوی کنش محافظه کارانه: در این الگو، به واسطه ضعف‌های محیط درونی، سیاست‌گذار رویکرد احتیاط و حفظ وضع موجود را در پیش می‌گیرد و تلاش می‌کند در فرصت‌ها و موقعیت‌های پیش‌آمده، با تدوین سیاست‌های رضایت‌بخش، نهایت استفاده را در جهت تأمین منافع خود ببرد. در این الگو، واحدهای سیاسی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی از هرگونه کنش منجر به تغییر ناگهانی و یا بنیادی در سیستم خودداری می‌کنند چرا که ممکن است با واکنش سیستم کلان بین‌المللی مواجه شود. از سوی دیگر، به علت وجود ضعف‌های درونی، نمی‌تواند در برابر فشارهای وارده از سیستم بین‌المللی تحمل نماید. بنابراین با نظم تحمیلی از سوی سیستم‌های پیچیده و آشوبی روبه‌رو خواهد شد. طبق این الگو، در مواجهه با برخی کنش‌های سیستم‌بین‌المللی که ممکن است برای کشور ایجاد چالش و بحران نماید، بایستی رویکرد احتیاط و محافظه کارانه در سیاست‌گذاری دفاعی - امنیتی داشته باشد و به دنبال فرصت برای تأمین منافع ملی خود باشد. در قالب این الگو، در برخی تنش‌ها و درگیری‌های سیاسی - نظامی بین‌المللی به‌ویژه تنش‌هایی که در قلمرو رقابت

و منازعه بین قدرت‌های جهانی است بایستی با احتیاط عمل شود و منافع ملی را پیگیری نمود. در برخی موارد نیز باید سیاست صبر، انعطاف و حفظ و توسعه روابط خارجی در پیش گرفته شود و از کنش‌های تهاجمی که منجر به شاخه‌ای شدن نظم و ناپایداری آن در منطقه می‌شود، خودداری شود.

د- الگوی کنش تدافعی: این الگو، با توجه به ضعف‌های درونی و تهدیدات سیستم بیرونی، در پی مقابله با کنش‌هایی است که بر تقویت ضعف‌ها و اثرگذاری تهدیدها مؤثر است. در وضعیت پیچیدگی و آشوب، گسل‌های اجتماعی، شکاف مذهبی- غیرمذهبی، اختلافات سیاسی، فقر، ناکارآمدی سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و... از جمله ضعف‌هایی هستند که زمینه‌های بروز نقاط فازی نامطلوبی را فراهم نموده و بازیگر رقیب با شناسایی آنها، از آنها بهره‌برداری نموده و کشور را با چالش‌های جدی سیاسی- امنیتی روبرو می‌کند. در حوزه تهدیدات محیط بیرونی نیز جنگ‌های شناختی، ترکیبی و نیابتی، ائتلاف‌های نظامی - امنیتی در منطقه و جهان، نفوذهای اطلاعاتی - امنیتی، اقدامات تروریستی و خرابکارانه و بیوتروریسم، تهاجم فرهنگی و نرم، امنیتی سازی علیه کشور و... از جمله کنش‌های بیرونی هستند که اقدام مقابله‌ای و تدافعی لازم است. بنابراین در چارچوب این الگو و در مواجهه با این نوع کنش‌ها، در تدوین سیاست‌های دفاعی - امنیتی بایستی رویکرد مقابله‌ای و خنثی‌ساز (تدافعی) را مورد توجه قرار داد.

الگوی اقتضایی؛ الگوی مناسب در سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی

در سیستم‌های پیچیده و آشوبی نمی‌تواند از یک الگوی خاص در تدوین سیاست‌های دفاعی - امنیتی پیروی کرد. بلکه کارآمدترین سیاست و یا تدبیر در این سیستم، سیاستی است که از الگوهای گوناگون در شرایط زمانی و مکانی خاص بهره جوید. یکی از الگوهای مطلوب در این شرایط، الگوی اقتضایی است. «فرض الگوی اقتضایی آن است که نتایج بر حسب موقعیت‌های مختلف متفاوت است. در الگوی اقتضایی وظیفه سیاست‌گذار و تصمیم‌گیرنده آن است که مناسب‌ترین رهیافت را برای وضعیت خاصی که در پیش رو دارد، برای زمان و مکان و شرایطی که در آن قرار دارد و به منظور تأمین اهداف مورد نظر خود انتخاب کند. الگوی اقتضایی با بهره‌گیری از روش سیستمیک رابطه‌ی میان اجزا را جستجو می‌کند و تأثیر عوامل مختلف روی هر کدام را می‌سنجد و تصمیم یا اقدام خود را بر آن اساس به اجرا در می‌آورد (کاظمی، ۱۳۸۱: ۸۱).

الگوی اقتضایی با داشتن بینش سیستمی، در سیاست‌گذاری از جامعیت کافی برخوردار بوده، دچار یک بُعدی شدن فرآیندهای سنتی نمی‌گردد. انعطاف‌پذیری، و سرعت دید و تطبیق با شرایط متغیر و متحول، همه از خصوصیات مثبت سیاست‌گذاری به شیوه اقتضایی است. اما در عین حال مشکلاتی نیز در سر راه آن وجود دارد. باید محیط و عوامل مؤثر را شناسایی و آثار تک تک آنها مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا بتوان به روش مطلوب سیاست‌گذاری دست یافت (الوانی، ۱۳۸۰: ۱۶۴). به طور خلاصه، شناخت محیط، نگرش سیستمی، انعطاف‌پذیری، سازگاری و تطبیق با شرایط متغیر و تحولات محیط، واقع‌بینی، آینده‌نگری، کل‌نگری، وسعت دید و رویکرد ترکیبی از ویژگی‌های الگوی اقتضایی در سیاست‌گذاری است که با توجه به شرایط و ویژگی‌های حاکم بر سیستم‌های پیچیده و آشوبی، الگوی اقتضایی می‌تواند یکی از الگوهای مناسب در سیاست‌گذاری دفاعی در این سیستم‌هاست و متناسب با نوع تهدید، سیاست و رویکرد خاص مقابله با تهدید را در پیش گرفت.

قضایا یا نتایج حاصل از این پژوهش به شرح زیر است:

۱. در چارچوب نظریه سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی، سیاست‌گذاری دفاعی از مؤلفه‌های آشوب‌زا و بحران‌ساز این سیستم تأثیرپذیر است. بنابراین هدف اصلی سیاست‌گذاری دفاعی، دفع تهدیدها، حفظ بقاء و جلوگیری از ایجاد نظم تحمیلی از سوی سیستم بین‌المللی در کشور است.
۲. شاخه‌ای و نامتقارن بودن نظم در سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی، بستر ساز تنوع تهدیدات است. بنابراین سیاست‌گذاری دفاعی بایستی معطوف به وضعیت‌های غیرخطی و پویا باشد.
۳. شرایط ابهام و عدم اطمینان یکی از ویژگی‌های سیستم‌های پیچیده و آشوبی است. از این‌رو، سیاست‌گذاری دفاعی در چارچوب رویکردهای غیرخطی و ریسک‌پذیر قابل تحلیل است. در چنین وضعیت‌هایی است که نظریه بازی‌ها مطرح می‌شود.
۴. با توجه به رویکرد غیرخطی و ریسک‌پذیر در سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی، اتخاذ تصمیم، مستلزم شناسایی نظام‌مند عوامل اثرگذار محیط دورنی و بیرونی بر سیاست‌گذاری دفاعی و پیش‌بینی روندها و رویدادهای سیستم در چارچوب این عوامل است.
۵. با توجه به اصول حاکم بر سیستم‌های پیچیده و آشوبی، الگویی در سیاست‌گذاری می‌تواند مؤثر واقع شود که قدرت تطبیق با محیط و انعطاف را داشته باشد. الگوی اقتضایی یا ایجابی پاسخ می‌دهد به این مسئله هست. در این الگو، تلاش می‌شود متناسب با شرایط و موقعیت‌های محیطی، مناسب‌ترین سیاست اتخاذ گردد.
۶. گذار موفق از مسائل و چالش‌های درونی و مقابله با تهدیدهای بیرونی، نیازمند بکارگیری راهبردهای اثرگذار در این حوزه است. تحلیل SWOT (قوت، ضعف، فرصت و تهدید) یکی از روش‌های کارآمد در تجزیه و تحلیل محیط درونی و بیرونی و ارائه راهبردهای لازم در وضعیت پیچیده و آشوبی است.
۷. سیاست‌گذاری دفاعی یکی از حوزه‌های سیاست‌گذاری عمومی دولت‌هاست که با ظرافت و پیچیدگی خاصی همراه است. هرگونه رویکرد مبتنی بر کنش غیرعقلانی، ناپخته، احساسی، هیجانی و ساده‌انگارانه در این حوزه، موجب ایجاد تنش و بی‌نظمی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی شده و با واکنش سیستم و تهدید نظم تحمیلی از سوی سیستم بیرونی، روبه‌رو خواهد شد.

پیشنهادهای

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱. براساس منطق فازی، ضروری است قبل از طراحی و تدوین سیاست دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی، نقاط ضعف و تهدید خودی و منشأ پدید آمدن آنها به عنوان مکان‌های فازی شناسایی گردد و از سوی دیگر، شناسایی مکان‌های فازی بازیگر رقیب در تدوین سیاست‌های دفاعی لازم است.

۲. به منظور دوری از تبعات اثرپروانه‌ای در سیستم‌های پیچیده و آشوبی، طراحی و تدوین سیاست‌های دفاعی مبتنی بر اطلاعات موثق و درست و تخمین اثرات تصمیم‌ها صورت گیرد.
۳. با نگرش به پیچیده بودن سیستم بین‌المللی، توجه به نظریه بازی‌ها و بازی جنگ در سیاست‌گذاری دفاعی مورد تأکید است.
۴. تقویت اصل خودیاری به منظور حضور در کنترل چرخه‌ای، یکی از ملزومات سیاست‌گذاری دفاعی است. سیاست‌گذاری دفاعی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی بایستی مستظهر به قدرت باشد تا بتواند با تنوع سیاست‌ها و راهبردها در کنترل چرخه‌ای اثرگذار باشد.
۵. تقویت فرآیند یادگیری با درس‌آموزی از موفقیت‌ها و شکست‌های گذشته در سیستم‌های پیچیده و آشوبی بین‌المللی، به منظور تدوین سیاست‌های دفاعی اثربخش است که به انتخاب استراتژیک منجر خواهد شد.
۶. تنوع بخشی به راهبردها: با نگرش به منازعات نامتقارن و وضعیت دینامیکی و پویای سیستم‌های پیچیده و آشوبی، رویکرد انعطافی و رقابتی با تنوع بخشی به راهبردها و الگوها در سیاست‌گذاری دفاعی ضرورت دارد.
۷. تدوین راهبردهای متناسب با منازعات نامتقارن، تقویت قدرت اطلاعاتی و ارتباطی، دیپلماسی دفاعی و همکاری بین‌المللی، استفاده از نیروهای پارتیزانی یا نیروهای نظامی ویژه، پیش‌بینی و پیشگیری از بحران‌ها، بهره‌گیری از ظرفیت رسانه و افکار عمومی از جمله مواردی است که در سیاست‌گذاری دفاعی در مقابله با منازعات نامتقارن توجه به آن ضرورت دارد.

فهرست منابع

- آقاجانی، احمد و عسگری، محمود. (۱۳۹۰). «نقش‌آوری اتاق‌های فکر در سیاست‌گذاری دفاعی - امنیتی». راهبرد دفاعی. شماره ۳۲.
- اکوانی، سیدحمداالله و موسوی‌نژاد، سیدولی. (۱۳۹۲). «نظریه آشوب؛ مدلی برای تحلیل پیچیدگی فضای سیاسی ایران». پژوهشنامه علوم سیاسی. سال هشتم. شماره ۲.
- اسماعیلی‌فرزین، ایرج. (۱۳۹۷). «بازدارندگی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی؛ مدلی برای ایران». تهران: انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع). چاپ اول.
- اسمیت، کوین بی و لریمر، کریستفر دبلیو. (۱۳۹۶). «درآمدی نظری بر سیاست عمومی». ترجمه: بهزاد عطارزاده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ نخست.
- الوانی، مهدی. (۱۳۸۰). «تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی». تهران: انتشارات سمت.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۵). «نظم در بی‌نظمی». کتاب ماه علوم اجتماعی. شماره ۱۰۵ - ۱۰۳.
- بلوجی، حیدرعلی. (۱۳۹۲). «مفاهیم رقیب در سیاست‌گذاری‌های دفاعی». تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ اول.
- تسلیمی، محمد سعید (۱۴۰۱). «تحلیل فرایندی خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری». تهران: انتشارات سمت. چاپ نهم.
- حسنلو، خسرو. (۱۳۸۸). «مروری بر مفاهیم جنگ». تهران: انتشارات علوم و فناوری دفاعی.
- حیات‌مقدم، امیر و کلانتری، فتح‌اله. (۱۳۹۷). «سال‌نمای دفاعی - امنیتی محیط پیرامونی ج.ا.ایران». تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی. چاپ اول.
- خوشوقت، محمد حسین. (۱۳۸۵). «تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی». تهران: انتشارات وزارت خارجه. چاپ ۳.

- روزنا، جیمز. (۱۳۸۴). «آشوب در سیاست جهان». ترجمه علیرضا طیب. تهران: انتشارات روزنه.
- ریاضی، وحید و دهقان، حسین. (۱۳۹۸). «سیاست‌گذاری دفاع ملی». تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی. ج ۱.
- غرایاق زندی، داود. (۱۳۸۹). «درآمدی بر سیاست‌گذاری امنیت ملی». تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ اول.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۹). «قدرت، نوپدیدگی و بحران در سیستم‌های بین‌المللی پیچیده و آشوبی: گامی به سوی مدل نظری نوین». روابط خارجی. شماره ۳.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۱). «مبانی نظری، کارکردی نظریه سیستم‌های پیچیده و آشوب در مطالعات نظم منطقه‌ای». رهیافت‌های سیاسی بین‌المللی.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۲). «نظریه‌های روابط بین‌الملل: بنیان‌های نظری نظم و رژیم‌های بین‌المللی». تهران: نشر میزان. چاپ اول.
- کاظمی، علی اصغر. (۱۳۹۳). «روابط بین‌الملل در تئوری و عمل». تهران: نشر قومس. چاپ ششم.
- کاظمی، علی اصغر. (۱۳۸۱). «پایان سیاست و واپسین اسطوره (نظم بحرانی در دوران مابعد سیاسی قرن ۲۱)». تهران: نشر قومس. چاپ اول.
- کاظمی، علی اصغر. (۱۳۸۱). «مدیریت سیاسی و خط مشی دولتی». تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.
- کلانتری، فتح الله. (۱۳۹۴). «کاربست سیاست دفاعی با راهبرد دفاعی و راهبرد نظامی». سیاست دفاعی. ش ۹۲.
- مصطفی‌نژاد، عباس. (۱۴۰۱). «سیاست‌گذاری راهبردی در تئوری و عمل». تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ چهارم.
- ملک محمدی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). «مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی». تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.
- نظری، علی‌اشرف و بهزادی، ابودر. (۱۳۹۲). «منازعات نامتقارن به مثابه معمایی دفاعی برای آینده نظام بین‌الملل، فهم زمینه‌ها و ابعاد». پژوهش‌های راهبردی سیاست. شماره ۵.
- یوسفوند، یعقوب و ملکی کرم‌آبادی، محمدمهدی. (۱۴۰۰). «طراحی الگویی از چگونگی ارتقاء ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست‌گذاری دفاعی ج.ا.ایران؛ با تأکید بر زاهدیه‌های تحقق آن». آفاق امنیت. شماره ۵۰.
- “Evolutionary complex systems: the self-organization of communities”. Allen, P. M. (1997) Lecture Notes in Economics and Mathematical Systems, 109-134
- & Anckers, J. C. (2003) “Doctrine for Asymmetric Warfare.” Military Review. 12 Burke, D.M (۱).
- ”Systems Anarchy and Anarchism: Towards a Theory of Complex”. Cudworth, Erika and Stephen Hobden (۲۰۱۰). International Journal of International Studies. 39: 399.
- “Complex Systems - New Conceptual Tools for International Relations. Cindea, Ion. (2006) ۱۴, pp: 46-88. Perspectives”

- Glanville, R. (2004). "The purpose of second-order cybernetics". *Kybernetes*, 33(9/10).
- Kaplan, M. A. (1958). "System and Process in International Politics". London: University of Oxford.
- Lavoy, R.P (2008), "Asymmetric Warfare in South Asia", College Station: Texas A 18 M Press.
- Mello, P. A. (2010). In Search of New Wars: The Debate about a Transformation of War. *European Journal of International Relations*, 16(2), 297-309
- Thelen, E. (2005). "Dynamic system

Defense policy analysis in complex and chaotic international systems

Yaghoob yousefvand^۱

Abstract

Today, the mystery of security and the category of defense of the country, in parallel with the fundamental changes and developments in the international system and chaos in it, has faced special complications; and due to non-linear and irregular approaches and variety of threats, it In this situation, how to has put defense policymaking in ambiguous and uncertain conditions. adopt the optimal defense policy is a fundamental issue. In line with this issue, the main question is, what model is suitable for designing and formulating defense policies in complex and chaotic international systems? In this research, an attempt has been made to analyze defense policy making by using the descriptive-analytical method and within the framework of the theory of complex and chaotic systems. The results of the research show that, within the framework of the theory of complex and chaotic international systems, defense policy-making is influenced by the chaotic and crisis-producing components of this system and should be focused on non-linear and dynamic situations. In such situations, the application of the contingent or positive model in policy making can be a suitable answer to the problem, because it tries to adopt the most suitable policy according to the environmental conditions and situations.

Keywords: defense policy making, defense policy, complex and chaotic systems, international system.

^۱Department of political science, faulty of political science, Tehran, emam ali university